

سال دوازدهم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹، ویژه نامه هفته پژوهش ۱۳۸۸

بررسی جرایم احزاب سیاسی در حقوق کیفری ایران

دکتر حسین غلامی gholami1970@yahoo.com

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۸/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۵

چکیده

احزاب، از جمله مهمترین کنشگران سیاسی در جامعه محسوب می شوند. جرم انگاری حوزه فعالیت احزاب در عین حال که امری گریز ناپذیر است، موجبات تضییق و تحدید کنشگران سیاسی آنها را به دنبال خواهد داشت. مطالعه و بررسی جرایم احزاب در نظام حقوق کیفری ایران، نه تنها بیانگر قلمرو موسع یا مضیق حوزه مداخله کیفری در عرصه فعالیت سیاسی احزاب است، بلکه از دیگر سو موجبات نقد و ارزیابی سیاست کیفری را در این خصوص فراهم می نماید. در این مقاله، ضمن تجزیه و تحلیل جرایم احزاب در قوانین مربوطه، به نقد و ارزیابی آنها در نظام حقوق کیفری ایران پرداخته می شود.

واژه های کلیدی: احزاب، جرایم، حقوق کیفری، قوانین انتخاباتی

مقدمه

جرم انگاری، به طور کلی ابزار تضييق حدود فعاليت اشخاص و احزاب است. در خصوص احزاب سياسي که حسب نوع و ماهيت فعاليت خود، به عنوان عنصر رقيب يا همراه دولت، تمايل حداکثري به فعاليت در حوزه سياسي و اجتماعي دارند، جرم انگاري اقدام محدود کننده بيشتري قلمداد مي شود. بررسي جرايم و مجازاتهاي ناظر به فعاليت احزاب سياسي، نه تنها از يک سو تعيين گستره حدود فعاليت احزاب و آزادي عمل آنها جهت پيشبرد مرانامه سياسي - اجتماعي شان تلقي مي شود، بلکه از ديگر سو بيانگر کيفيت واکنش نظام حقوق - سياسي و استقبال يا عدم استقبال آن از عملکرد احزاب نيز ارزيابي مي گردد. بدون ترديد، تعيين مصاديق مجرمانه محدود، روشن و بدون ابهام، موجبات اشتغال فعاليت حزبي و پايداري احزاب را فراهم خواهد نمود، در حالي که جرم انگاري مبهم، قابل تفسير و تاويل، زمينه ساز تعرض به احزاب به عنوان کششگران سازمان يافته فعاليت هاي سياسي را به دنبال داشته، موجب مداخله غير قابل پيش بيني نهادهاي حکومتي در محدود سازي و تضييق فعاليت احزاب خواهد بود.

با در نظر گرفتن اين ويژگي ها، مي توان به بررسي جرايم و تخلفات احزاب سياسي در نظام حقوق ايران پرداخت. بديهي است تأمل در انواع جرايم و مجازاتهاي احزاب سياسي در اين نظام حقوقی، مي توان حدود و ثغور فعاليت آزادانه احزاب در ايران را نيز مدنظر قرار داد. در اين بحث، جرايم و تخلفات مصرّحه در خصوص فعاليت احزاب و گروههاي سياسي در قوانين کيفري ماهوي، از جمله قانون احزاب، قانون مجازات اسلامي و قانون انتخابات را بررسي مي کنيم.

۱- جرايم و تخلفات مصرّحه در قانون فعاليت احزاب

ماده ۶ قانون فعاليت احزاب سياسي در بيان حقوق "گروهها" تصريح مي کند که فعاليت گروهها آزاد است؛ مشروط بر اينکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهاي ماده ۱۶ اين قانون نگردند. از طرفي نيز در تبصره هاي ۱ و ۲ ماده ۶ اين قانون، به برخي از شرايط سلبی و ايجابي مربوط به احزاب و ساير گروهها، از جمله لزوم داشتن مرانامه، اساسنامه، هويت هيات رهبري و همچنين نحوه برگزاراي راهپيمايي ها به همراه شرايط مربوط به آن اشاره شده است.

در ماده ۷ قانون مزبور نيز آمده است: "کليه اعضاي ساواک منحلّه، فراماسونها، کساني که در فاصله ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و يا به عضويت مجلس سنا يا شوراي ملي درآمده اند، گردانندگان رژيم سابق و حزب رستاخيز و کساني که به موجب احکام

دادگاهها، طبق موازین اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده و یا می شوند از حق تأسیس جمعیت و حزب سیاسی و یا شرکت در هیأت رهبری آن محرومند".

در ادامه ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب به تشریح ممنوعیت برخی از فعالیت های حزبی پرداخته است در شرح بندهای دهگانه مقرر می دارد که گروههای موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند.

ماده ۱۷ قانون فعالیت احزاب نیز در مقام بیان ضمانت اجراهای انضباطی برآمده و به کمیسیون ماده ۱۰ آن قانون اجازه داده است در صورتی که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشأ تخلفات مذکور در ماده ۱۶ باشد، برحسب مورد نسبت به اعمال یکی از تدابیر انضباطی، از قبیل تذکر کتبی، اخطار، توقیف پروانه و نهایتاً تقاضای انحلال از دادگاه اقدام مقتضی را انجام دهد.

ابهامی که در ماده ۱۶ قانون احزاب ملاحظه می گردد، سکوت قانونگذار در بیان ضمانت اجراهای کیفری در قبال جرایم احزاب است. به عبارت دیگر، قانونگذار با آوردن عباراتی عام، کلی، دو پهلو و تردید آمیز، از جمله عبارت "از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند" در ماده ۱۶، علی الظاهر قصد دارد به تشریح و معرفی کامل جرایم احزاب بپردازد، لکن متعاقباً در ماده ۱۷ با ذکر عبارت "تخلفات" و تفویض اختیار به کمیسیون ماده ۱۰ در جهت اعمال ضوابط و احکام انضباطی، این ذهنیت را به ذهن متبادر می سازد که شاید احزاب سیاسی و سایر گروهها، موضوع رفتارهای مجرمانه قرار نگیرند و اصولاً نظر قانونگذار آن باشد که با آنها در قلمرو همان تخلفات انضباطی برخورد شود.

با وجود این، با عنایت به اطلاق و عموم مفاهیم و مصادیق مندرج در ماده ۱۶ - که در پاره ای موارد دلالت بر ارتکاب افعال مجرمانه دارد، استنباط فوق تا حدود زیادی تحت الشعاع قرار می گیرد.

ایرادی که بر این ماده وارد است، اینکه، اولاً؛ غالب عبارات مصرحه در ماده ۱۶ قابل تفسیر به رأی بوده و به صورت کاملاً کلی و ابهام آمیز به کار رفته‌اند. به عبارتی، صراحت و شفافیت بیان که لازمه یک قانون مترقی و کارآمد است، در منطوق این ماده ملاحظه نمی گردد. ثانیاً؛ بر فرض که عبارت "تخلفات" یا "ارتکاب موارد زیر" در مواد ۱۶ و ۱۷ را محمول بر معانی و مفاهیم مجرمانه و تخلفاتی توأمان بدانیم، این تفسیر نیز راهگشا نخواهد بود، زیرا از یک طرف پیش بینی یک عنوان مجرمانه در قانون، مستلزم بیان صریح ضمانت اجرای کیفری آن نیز هست (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۲۶) و از طرف دیگر، بنابر آنچه گذشت، در تفسیر قوانین کیفری ماهوی باید جانب حزم

و دوراندیشی را رعایت کرده و در موارد اجمال، ابهام و سکوت قانونی، قاعده تفسیر مضیق قوانین جزایی به نفع متهم را اعمال نمود (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

در جمع مباحث فوق، باید اذعان داشت که شاید قانونگذار در ماده ۱۶ در مقام تشریح جزئیات و ارکان متشکله جرایم ارتكابی احزاب نبوده و تنها نظر بر موارد غالب داشته است. به عبارتی، قانونگذار یک سری معیارهای سلبی را به عنوان افعال ممنوعه ناقض تحریمها و ارزشهای تقنینی بیان نموده و اختیار تعیین ضمانت اجرای کیفری و تشخیص اوصاف مجرمانه را به قوانین عام کیفری، از جمله قانون مجازات اسلامی و... واگذار کرده است. البته، این ایراد مهم همچنان بر قانونگذار وارد است که از بیان جرایم حزبی و ضمانت اجرای کیفری مربوط به آن اجتناب نموده و زمینه را برای ظهور عقاید و آرای متفاوت و متهافت فراهم کرده است؛ حال آنکه با توجه به اینکه قانون احزاب یک مصوبه خاص بوده؛ قانون مطلوب نیز باید از جامعیت لازم برخوردار باشد، شایسته آن بود که قانونگذار صراحتاً به تبیین جرایم ارتكابی مرتبط با فعالیت احزاب و مهمتر از آن، تعیین ضمانت اجرایی آنها می پرداخت که متأسفانه قانون فعلی فاقد این اوصاف است. به هر ترتیب، در این مبحث سعی بر آن است به معرفی و تبیین مفاهیم و عبارات مندرج در ماده ۱۶ قانون احزاب پرداخته شود.

۱-۱- ارتكاب افعال منجر به نقض استقلال کشور

یکی از افعال ممنوعه مندرج در بند الف ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب سیاسی، ارتكاب افعالی است که به نقض استقلال کشور منجر شود. برای تبیین این بند، لازم است ابتدا به صورت صریح و روشن واژه "استقلال کشور" را تعریف کنیم و در ادامه، به کشف و شناسایی مصادیق رفتاری منجر به نقض استقلال کشور بپردازیم.

متأسفانه، آن گونه که در مباحث پیشین نیز اشاره گردید، نحوه بیان قانونگذار در توصیف چنین مفاهیمی، به صورت کلی و عام است که این مسأله زمینه شکل گیری تفاسیر متعدد و بعضاً ناروا را فراهم می نماید. اگر عبارت "استقلال کشور" را به معنای عدم وابستگی خارجی و تحت استعمار دول بیگانه بودن به کار ببریم، در این وضعیت، باید به دنبال کشف آن دسته از اعمال و رفتارهای مجرمانه ای باشیم که استقلال و تمامیت ارضی کشور را به نحوی از انحاء مورد تعرض و تهدید قرار می دهند (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

طبعاً عبارت "استقلال" دارای تعبیر عامی است که انواع و اقسام وابستگی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره را دربرمی گیرد. مطابق این معنا، با لحاظ سکوت قانونگذار در تبیین مفهوم استقلال و مصادیق رفتاری منجر به نقض آن و مهمتر از آن، عدم پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای مرتکبان این اعمال، ناگزیر باید به سایر قوانین موضوعه، بویژه قانون مجازات اسلامی مراجعه نمود.

نتیجتاً، بررسی مفاهیم مذکور در این بند (بند الف ماده ۱۶) نکاتی را متبادر می سازد که نیازمند تدقیق و تأمل است:

۱- تا زمانی که مفهوم "استقلال" به روشنی مشخص نگردد، اعمال ضوابط این بند چه در تشخیص تخلفات انضباطی مقرر در ماده ۱۷ و چه در تطبیق مصادیق افعال مجرمانه، می تواند ناقص و نافی حقوق و آزادیهای فردی تلقی گردد.

۲- ابهام و کلی گویی در قانون (آن هم یک قانون خاص) امری ذاتاً قبیح و نامتعارف تلقی می شود.

۳- عبارات به کار رفته در این بند و سایر بندهای ماده ۱۶ واجد خصیصه مزبور بوده، بدین سان، بسترساز ظهور برداشت های موسع و ناروا محسوب می گردد.

۴- عدم پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای مرتکبان افعال منجر به نقض استقلال کشور، (در شرایطی که مطابق براهین و موازین موجود پرواضح می نماید که افعال مزبور صرفاً جنبه تخلفاتی نداشته، بلکه در بسیاری اوقات وصف مجرمانه به خود می گیرند) نیازمند تأمل است!؟

۵- هیچ معیار دقیق و مشخصی برای تعیین میزان اثرگذاری یک رفتار بزهکارانه در کیفیت استقلال یک کشور وجود ندارد. بی تردید، مفهوم استقلال با بحث حاکمیت دولتها ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد. بر این اساس، یک رفتار باید از چنان شدت یا حدتی برخوردار باشد تا بتواند به اصل استقلال و در نتیجه حاکمیت سیاسی یک دولت خدشه وارد سازد. براین مبنا، تشخیص این امر عمدتاً با مرجع قضایی است که با تفکیک مفاهیم و با استفاده از معیارهای نسبی در جهت کشف و احراز واقعیت گام بردارند.

۲-۱- نقض آزادیهای مشروع دیگران

یکی دیگر از تعابیر عام به کار رفته در ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، ممنوعیت احزاب سیاسی و سایر گروهها از ارتکاب آن دسته افعالی است که اسباب نقض آزادیهای مشروع دیگران را فراهم می آورد.

اگر اصطلاح "آزادیهای مشروع" را به معنای کلیه حقوق و امتیازات پیش بینی شده برای افراد در قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه قلمداد نماییم، به عبارتی رساتر، تمامی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را (اصل بیستم قانون اساسی) مشمول این تعریف دانسته، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از هر نوع تعرض و تهدیدی مصون بدانیم، در این حالت، عبارت مزبور را باید این گونه تفسیر کنیم که کلیه فعالیت های حزبی که در راستای نقض یا تهدید حقوق و آزادیهای شرعی و قانونی افراد جامعه صورت می پذیرد، در زمره افعال ممنوعه مندرج در این بند تلقی می شود و قابل پیگرد و تعقیب کیفری است.

البته، استنباطی که در بادی نظر از منطوق عبارت "نقض آزادیهای مشروع" به نظر می رسد، آن است که مراد از رفتارهای منجر به نقض آزادیهای مشروع دیگران، چیزی فراتر از یک رفتار مجرمانه فردی صرف است. توضیح آنکه، بحث تعرض و تهدید حقوق و آزادیهای مشروع دیگران، عمدتاً در مواد عام قوانین جزایی به تفصیل بیان شده است و لذا شاید ضروری نباشد که قانونگذار به تکرار این موضوع بپردازد. به تعبیری دیگر، عنوان مزبور (نقض آزادیهای مشروع دیگران) زمانی مصداق عینی می یابد که آثار و نتایج افعال ارتكابی نه بر یک فرد یا افراد خاصی، بلکه طیف گسترده ای از افراد یک جامعه را در برگیرد؛ به گونه ای که با ارتکاب آن امنیت و آرامش موجود تا حدود زیادی به خطر افتاده، متزلزل گردد. فرضاً اقدام یک حزب به بازداشت فردی خاص یا تهدید به انفجار در یک ملک شخصی، بدون آنکه قصد برهم زدن امنیت جمعی در میان باشد، یا اینکه اصولاً فعل مزبور فاقد چنین خصیصه ای تصور شود، نمی تواند مصداق رفتارهای ناقض آزادیهای مشروع دیگران تلقی گردد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

به هر حال، ایراداتی که راجع به بند الف ماده ۱۶ مورد اشعار قرار گرفت، درخصوص این بند نیز دیده می شود و جای آن دارد به دقت مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد.

۳-۱- تبانی و تبادل اطلاعات با دول و احزاب بیگانه

عبارت "تبانی و تبادل اطلاعات با دول و احزاب بیگانه" در مقام بیان حالتی است که احزاب و گروههای سیاسی واقع در کشور در تلاشند تا داده ها و اطلاعات کلیدی و محرمانه ای را که افشای آنها محتملاً شالوده امنیت و اساس حاکمیت سیاسی یک دولت را خدشه دار می سازد، با طرح و نقشه قبلی و با علم به اینکه اطلاعات مزبور از اهمیت حیاتی برخوردار است و چه بسا

ممکن است علیه منافع ملی مورد سوء استفاده قرار گیرد، در اختیار دولتها و احزاب بیگانه قرار دهند (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۲: ۲۲).

این بخش از ماده ۱۶ ظاهراً درصدد بیان نوع خاصی از فرایند "جاسوسی" است که از مصادیق بارز جرایم سیاسی و ناقض امنیت کشور تلقی می شود (ولیدی، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

قدر مسلم، تبانی و تبادل اطلاعات نه هر نوع اطلاعاتی، بلکه آن اطلاعاتی را شامل می شود که طبقه بندی شده به حساب آید و افراد و گروهها صریحاً از افشا یا انتقال آنها به دول یا گروههای بیگانه منع شده باشند.

همچنین، در این مورد بنا بر صراحت عبارات مورد اشعار تفاوتی ندارد که دول و احزاب بیگانه مزبور جزو دول یا احزاب متخاصم بوده و یا اینکه با دولت جمهوری اسلامی ایران در حالت صلح و مناسبات دوستانه قرار داشته باشند.

نکته دیگر اینکه، این برداشت که احزاب سیاسی به طور کلی از انجام هر نوع تبادل اطلاعات با دول و احزاب بیگانه دیگر منع شده‌اند، با توجه به قسمت اخیر بند "ب" ماده ۱۶ برداشتی اشتباه تلقی می گردد، بلکه احزاب سیاسی بنا بر اصل آزادی و حقوق مصرحه در قانون اساسی حق دارند با سایر احزاب و دولتهای خارجی ارتباط و تبادل فکری داشته باشند. لذا این برداشت که احزاب صرفاً باید فعالیت های دورن مرزی داشته، دایره شمول فعالیت های خود را به خارج از مرزهای سرزمینی توسعه ندهند، تصویری سطحی و بدبینانه محسوب می گردد.

به هر صورت، برای تشخیص مصادیق منطبق با این بند نیز باید به قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مربوطه مراجعه نمود. البته، در باب ضمانت اجرای انضباطی همچنان می توان با عنایت به ماده ۱۷ قانون فعالیت احزاب سیاسی توسط کمیسیون ماده ۱۰ به اعمال ضمانت های مقرر در این ماده مبادرت ورزید.

۴-۱- ایراد تهمت، افترا و شایعه پراکنی

عناوین تهمت، افترا و شایعه پراکنی مصرحه در بند "ه" ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب سیاسی در زمره جرایم ارتكابی علیه تمامیت معنوی اشخاص محسوب می گردد (آقایی نیا، ۱۳۸۷: ۵). البته، عبارات "تهمت و افترا" از لحاظ لغوی به یک مفهوم بوده و در معنای "دروغ" آمده است، لکن بین اصطلاح "شایعه پراکنی" و دو عبارت اخیرالذکر به رغم ارتباط معنایی نزدیک، تفاوت ظریفی به نظر می رسد.

افترا در اصطلاح حقوقی به معنای آن است که کسی جرمی را صراحتاً به دیگری نسبت داده باشد که در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد و نسبت دادن غیرجرم، ممکن است تهمت یا نشر اکاذیب یا توهین باشد. به عبارتی، شایعه پراکنی، مصداقی از نشر اکاذیب است که در تحقق آن لازم نیست اکاذیب اظهار شده یا اعمال اسناد شده کذب و هم جرم باشد. این دو عنوان مجرمانه به ترتیب در مواد ۶۹۷ (افترا) و ۶۹۸ (نشر اکاذیب) قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده اند که هر یک دارای عناصر متشکله خاص خود هستند.

به هر ترتیب، نیازی به تکرار این مطلب نیست که فعالیت های احزاب سیاسی به لحاظ خصیصه نطق و سخن پراکنی در محافل و مکانهای عمومی، در پاره ای موارد ممکن است وصف خلاف حقیقت به خود بگیرد و در قالبی مجرمانه با قصد اضرار به دیگران و تشویش اذهان عمومی جلوه نماید. در این مقطع، با جمع سایر شرایط اعضا و نمایندگان احزاب در صورت اثبات بزه، ممکن است حسب مورد به یکی از جرایم افترا یا نشر اکاذیب محکوم شوند.

قطعاً در این مورد نیز با لحاظ سکوت قانونگذار در شرایط فعلی، خصوصیت یا وجه تمایز خاصی بین این اعمال (رفتارهای مجرمانه حزبی) یا رفتارهای مجرمانه فردی وجود ندارد و از لحاظ تطبیق عناوین بزهکارانه با متون جزایی، همه موارد تابع مقررات عام جزایی (قانون مجازات اسلامی) هستند. این گونه است که عناوین مزبور بیشتر با بزه نشر اکاذیب که عنصر روانی آن قصد اضرار و تشویش اذهان عمومی است، قابلیت انطباق می یابد.

۵-۱- نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی

فعالیت های حزبی گاهی ممکن است منجر به نقض موازین و اصول معتبر اسلامیت و جمهوریت گردند. در این مرحله، قانونگذار ضمن اعلام ممنوعیت در خصوص وقوع چنین رفتارهایی به احزاب هشدار داده و تصریح نموده است که هر یک از احزاب و گروهها باید از انجام اعمالی که منتهی به نتایج فوق گردد، امتناع ورزند.

ابهامی که در این بند ملاحظه می گردد و ریشه آن را نیز باید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جستجو نمود، مربوط به تعریف، محتوا و دامنه شمول عبارت "موازین اسلامی" است که حسب مورد می تواند تفاسیر موسعی را در پی داشته باشد و با تحدید دایره فعالیت احزاب و دیگر گروهها، آنها را از انجام فعالیت های قانونی، معمول و متعارف برحذر دارد.

متأسفانه، تاکنون هیچ تعریف جامع و رسایی درخصوص مفهوم "موازن اسلامی" صورت نگرفته و اکثر تعاریف به عمل آمده نیز از جهاتی ناقص هستند. دلیل این امر نیز آن است که عبارت مزبور، مفهومی عام و کلی داشته و بر همین مبنا، قابلیت تفسیرپذیری آن فراوان است.

در اصل دوم قانون اساسی آمده است که جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا.....؛ ۲-.....؛ ۳-..... و.....

اگر مفاهیم به کار رفته در این اصل را به عنوان زیربنای یک حکومت اسلامی در نظر داشته باشیم (که قطعاً نیز این گونه است)، با اصول دیگری مواجه می شویم که تفسیر قانون اساسی و تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین و مقررات مصوب را با موازین اسلامی برعهده فقهای شورای نگهبان تفویض نهاده و در اصل چهارم قانون مزبور آورده است که این اصل (لزوم تطبیق با موازین اسلامی) بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر نیز با شورای نگهبان است.

آن گونه که مبرهن است، مفهوم موازین اسلامی یک مفهوم کلی، تفسیرپذیر، مورد مناقشه و در عین حال، واجد اهمیتی اساسی است. این اهمیت تا بدانجاست که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ مرجع یا مقامی را به غیر از فقهای شورای نگهبان شایسته تفسیر آن نمی شناسد. غرض آن است که اصطلاح "موازن اسلامی" مقرر در بند "ح" قانون فعالیت احزاب سیاسی، مفهومی کاملاً تخصصی است که تشخیص حدود و ثغور آن از توانایی ترکیب و اعضای کمیسیون ماده ۱۰ یا حتی بسیاری از مراجع قضایی خارج است. کلی گویی درخصوص این موضوع این ذهنیت منفی را ممکن است به وجود آورد که بسیاری از فعالیت های گروهی با برچسب ضدیت با موازین اسلامی و اساس جمهوریت همراه شده، بدون آنکه تفکیک دقیقی بین این دو مقوله (اسلامی و ضد اسلامی) صورت پذیرد، زمینه ظهور تفاسیر به رأی و معارض با حقوق و آزادیهای فردی فراهم آید.

۶-۱- نقض وحدت ملی و طرح ریزی برای تجزیه کشور

یکی دیگر از تخلفات مندرج در بند "و" ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب سیاسی، نقض وحدت ملی و طرح ریزی برای تجزیه کشور است. بداهتاً این عنوان نیز از محدوده یک تخلف انضباطی صرف فراتر رفته، در بسیاری موارد واجد وصف مجرمانه خواهد بود.

در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی، از عناوین مجرمانه‌ای سخن رانده شده که در راستای براندازی حکومت و نقض وحدت ملی طراحی می‌گردد. در این مورد، می‌توان به مواد ۱۸۷ و ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی در باب هفتم کتاب حدود اشاره نمود که بر طبق آن هر فرد یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و بدین منظور اسلحه و مواد منفجره تدارک ببند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض هستند. همچنین، فردی که در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض خوانده می‌شود (ماده ۱۸۸).

به هر حال، همان ایراداتی که در خصوص مفاهیم پیشین ارائه گردید، در مورد عنوان اخیر نیز قابل اشعار است، فلذا جهت جلوگیری از اطاله بحث از تکرار آن اجتناب می‌شود.

۷-۱- تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت

عنوان تخلفاتی و احياناً مجرمانه مزبور نیز در مقام بیان وضعیتی است که احزاب و سایر گروههای سیاسی با ارتکاب مانورهای بزهکارانه و با انگیزه تحصیل مطامع و منافع حزبی در پی ایجاد شکاف، چند دستگی، منازعه و اختلافات عمیق میان اعضای جامعه هستند.

عبارت فوق درصدد آن نیست که رفتار تخلفاتی یا مجرمانه خاصی را معرفی نماید، بلکه دایره شمول آن، ارتکاب جمیع افعال و رفتارهای تحریک آمیز و ممنوعه مصرحه در قوانین موضوعه را که به نحوی می‌تواند به تهییج، تحریک و تشجیع افکار عمومی و در نتیجه حدوث و تشدید اختلافات مردمی منجر گردد، دربرمی‌گیرد. به همین علت، ارتکاب چنین رفتاری نیز نه از باب تعرض به حقوق و آزادیهای فردی ملت، بلکه از آن حیث قابل مؤاخذه و تعقیب است که نتیجه محتوم ناشی از وقوع آن متوجه ساختار سیاسی و تشکیلاتی حکومت است. به نظر می‌رسد، با وجود برخی مفاهیم عام پیشین از قبیل "نقض وحدت ملی" یا "نقض استقلال کشور" دیگر نیازی به تکرار عبارت اخیر احساس نمی‌شد و کلی گویی جز آنکه بر ابهام قانون می‌افزاید، ثمره مطلوبی دربرنخواهد داشت.

۸-۱- تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضله

از مفاهیم دیگری که در ماده ۱۶ قانون احزاب به صورت کلی بیان شده و مورد مناقشه و تفسیر

است، ممنوعیت احزاب سیاسی از انجام تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات گمراه کننده است.

با عنایت به ذکر عبارت "نقض موازین اسلامی" در بندهای پیشین، بیان عبارت مذکور، چیزی جز تکرار مباحث قبلی نیست.

به نظر می‌رسد مراد از تبلیغات ضد اسلامی، تبلیغاتی است که علیه موازین اسلامی صورت می‌گیرد. در مورد کتب و نشریات مضله نیز قانونگذار صراحتاً مشخص نکرده که مراد از کتب و نشریات مضله چیست؟!

به عبارتی، آیا مراد قانونگذار کتب و نشریات منافی اخلاق است یا کتب و نشریات سیاسی و مضر به ساختار حکومت؟ نکته دیگر اینکه، عنوان تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات گمراه کننده، وصفی عام با ابعاد گسترده است که نیازمند برنامه ریزی، طراحی، اسباب چینی و به کارگیری استراتژی های بلندمدت با هدف تحریک یا تغییر ذهنیت افکار عمومی نسبت به مباحث اسلامی و پایبندی به موازین سیاسی حاکم بر جامعه است. این بدان معناست، که عنوان مزبور درصدد ارائه ادبیات خاصی از نوعی بزهکاری سازمان یافته است که احتمالاً در راستای سیاستهای معارضانه و تفرقه آمیز یک حزب یا گروه سیاسی منسجم قابل توجه می‌نماید. بدین لحاظ، نمی‌توان هر نوع رفتار تخلف آمیز یا مجرمانه ای را ولو اینکه مرتکب آن در یکی از احزاب سیاسی عضویت داشته باشد، منسوب به آن حزب دانست و ساختار تشکیلاتی یک حزب را بازخواست نمود (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۵۵۹).

۹-۱- اختفاء، نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز

عنوان اخیر نیز رفتارهای متعددی را بیان می‌کند و سه عنوان تخلفاتی را مطرح می‌سازد:

۱- اختفاء ۲- نگهداری ۳- حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز.

گاهی اوقات ممکن است احزاب سیاسی برای دستیابی به اهداف و استراتژی های حزبی (فرضاً طرح ریزی برای تجزیه کشور یا براندازی حکومت یا تدارک کودتا) اقدام به خرید، نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز نمایند.

در این وضعیت، قانونگذار با پیش بینی نوعی تدبیر بازدارنده و با اعلام ممنوعیت حمل و نگهداری اسلحه برای احزاب، درصدد پیشگیری از وقوع حوادث و جریانات مزبور برآمده است که امری مستحسن و مفید به نظر می‌رسد.

۱۰-۱- دریافت هر نوع کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان

احزاب سیاسی از آن حیث که احتمال دارد با دریافت تسهیلات مالی و تدارکات از بیگانگان (احزاب و کشورهای خارجی) زمینه ظهور مسائلی، از قبیل: نقض استقلال، وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور و همچنین فراهم سازی شرایط کودتا، تجزیه، براندازی و اقدام علیه امنیت ملی را به وجود آورند، از دریافت هر نوع کمک و تسهیلات مالی از دول بیگانه منع شده‌اند.

اینکه دریافت کمک مالی از بیگانگان مطلقاً جرم یا تخلف محسوب می‌گردد و یا اینکه تنها در صورت حدوث احتمالات فوق می‌تواند تحت عناوین مزبور قرار گیرد، علی‌الظاهر با توجه به صراحت مفاهیم به کار رفته در بند "ج" ماده ۱۶، شامل هر نوع کمک و تدارکات مالی می‌شود و لازم نیست که حتماً اثبات شود که دریافت اموال مورد نظر با قصد یا اغراض خاصی همراه بوده است؛ هر چند چنین تفسیری منطقی به نظر نمی‌رسد و تخلف دانستن دریافت هر نوع کمک مالی از دول خارجی در شرایطی که احزاب ناگزیر به تبادل و تعامل سالم و قانونمند با احزاب سایر کشورها هستند، تا حدودی توجیه‌ناپذیر می‌نماید.

۲- جرایم مصرحه در قانون مجازات اسلامی

آن گونه که اشاره شد، قانونگذار ایران، قانون فعالیت احزاب سیاسی را در زمانی به تصویب رساند که اوضاع سیاسی - اجتماعی ناشی از وقوع جنگ تحمیلی و شرایط فوق‌العاده آغازین انقلاب، وضع ویژه‌ای را برای کشور ایجاد کرده بود. در آن زمان، احساس نیاز به تصویب قوانین و نهادهای متعدد از یک طرف و عدم تجربه و پشتوانه علمی و تحقیقاتی کافی از طرف دیگر، باعث می‌گردید که فرایند تعجیل و شتابزدگی تا حدودی بر روند قانونگذاری کشور همانند سایر بخش‌ها تأثیر گذارد. در این میان، یکی از قوانینی که در آن ایام از مرز تصویب گذشت، قانون فعالیت احزاب سیاسی بود که در زمان خود قانونی مفید و کارآمد تلقی می‌گردید.

صرف نظر از اینکه، نوع نگاه قانونگذار به مقوله تحزب‌گرایی عموماً نگاهی آمرانه توأم با نگرش مجرمانه به نظر می‌رسد؛ واقعیت آن است که عدم تعیین حدود و ثغور فعالیت‌های مشروع و نامشروع احزاب سیاسی و فقدان مرزبندی دقیق بین دو مقوله جرایم حزبی و جرایم سیاسی، ضمن آنکه زمینه شکل‌گیری تفاسیر و برداشت‌های متنوع و متهافت را تدارک دیده است؛ مضافاً با تضییق حقوق و آزادیهای احزاب، در عمل نیز از شدت، پویایی و تحرک فعالیت‌های سیاسی

احزاب در جهت سازندگی و توسعه سیاسی کاسته و حیات سیاسی آنها را با رکود و اضمحلال مواجه ساخته است.

در مباحث پیشین، اشاره گردید که قانون فعالیت احزاب سیاسی در مواد ۱۶ و ۱۷ خود تنها به ذکر عبارات و مفاهیمی کلی، مبهم و تفسیرپذیر پرداخته و صرفاً به پیش بینی ضمانت اجرای انضباطی در قبال تخلفات انجام گرفته بسنده نموده است؛ حال از آن رو که، عمده مصادیق رفتارهای ارتكابی مندرج در ماده ۱۶ واجد وصف مجرمانه است جای آن داشت که قانونگذار توجه بیشتری به این موضوع مهم مبذول می نمود و از وقوع تفاسیر ناروا پیشگیری می کرد.

به هر تقدیر، قانون فعالیت احزاب، از لحاظ توصیف رکن قانونی افعال مجرمانه حزبی ناقص تلقی می شود و ناگزیر برای یافتن مصادیق رفتارهای بزهکارانه احزاب باید به سایر نصوص جزایی، بویژه قانون مجازات اسلامی مراجعه نمود. بر همین مبنا، عمده جرایم منسوب به احزاب سیاسی، آنهایی هستند که ناقض امنیت کشور و محل آسایش عمومی تلقی می گردند.

بر همین اساس، مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی ایران به تصریح و معرفی اقسام جرایم ارتكابی علیه امنیت داخلی و خارجی کشور پرداخته است. عمده جرایم ارتكابی مصرحه در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی آن دسته جرایمی هستند که با فعالیت های ممنوعه احزاب سیاسی پیوندی نزدیک دارند. اینکه آیا جرایم ارتكابی حزبی را، به خصوص آنهایی که با بحث استقلال، امنیت و وحدت ملی در ارتباطند، می توان در شمار جرایم علیه امنیت کشور تعبیر نمود و اینکه آیا هر جرمی که با انگیزه اخلال در امنیت کشور صورت پذیرد، لزوماً باید جرم سیاسی به حساب آید یا خیر؟! بحث مهمی است که جنبه کاربردی دارد.

اصولاً جوهره و ماهیت اصلی فعالیت های احزاب سیاسی، دخالت و شرکت در فرایند سیاسی جامعه است (راس، ۱۳۸۸: ۲۵). بنابراین، طبیعی می نماید که اگر جرمی نیز توسط اعضا و نمایندگان یک حزب تحقق پذیرد، واجد وصف سیاسی باشد. متأسفانه، آنچه در حال حاضر وجود دارد، به شدت متزلزل و از جهات متعدد قابل تردید است. قانون مجازات اسلامی ایران و سایر قوانین موضوعه، هیچ تعریف صریح و روشنی از جرایم سیاسی ارائه نداده اند (زینلی، ۱۳۸۱: ۷۰). لایحه جرایم سیاسی پیشنهادی وزارت دادگستری مطروحه در مجلس ششم نیز هرگز به سرانجام قانونی نرسیده است (منتظری، ۱۳۸۲: ۲۲).

حال که تعریف مشخصی از جرم سیاسی نشده، طرح این موضوع نیز که آیا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور لزوماً سیاسی هستند یا خیر و اینکه جایگاه رفتارهای مجرمانه حزبی در چه

قالبی موضوعیت می یابد؟ بحثی است که باید در مجالی دیگر مطرح کرد (غلامی، ۱۳۸۶: ۲۷۴). با وجود این، تردیدی نیست که بسیاری از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور مصرحه در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ یا مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی با انگیزه سیاسی صورت می پذیرند.

نتیجتاً، از جمله شایعترین و مهمترین جرایمی که قابل انطباق با فعالیت های مجرمانه احزاب تلقی می گردد، می توان به برخی عناوین مصرحه در قانون مجازات اسلامی، مانند قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی (م. ۱۸۶)، طرح براندازی حکومت اسلامی (م. ۱۸۷)، نامزدی در طرح کودتا (م. ۱۸۸)، تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸)، عضویت در دستجات محل امنیت کشور (م. ۴۹۹)، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۰)، جاسوسی (ماده ۵۰۵)، همکاری با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران (م. ۵۰۸)، تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و... (ماده ۵۱۱)، تحریک یا اغوای مردم به جنگ و کشتار با قصد برهم زدن امنیت کشور (م. ۵۱۲)، افترا و نشر اکاذیب با قصد تشویش اذهان عمومی (مواد ۶۹۷ و ۶۹۹)، توهین به مقدسات اسلامی (ماده ۵۱۳)، سوء قصد به جان مسئولین نظام (ماده ۵۱۵)، توهین به رهبر (ماده ۵۱۴) و سایر جرایم اشاره نمود که شرح یکایک آنها از حوصله این نوشتار خارج است، لکن ضروری است به برخی از مصادیق مهم آن در این مبحث پردازیم.

۲-۱ جاسوسی

یکی از شایعترین جرایم ارتكابی توسط احزاب سیاسی، بزه "جاسوسی" است (راس، ۱۳۸۸: ۸۲). از دیدگاه حقوق تطبیقی، غالب دول در قبال ارتكاب اعمال و رفتارهایی، از قبیل جاسوسی که منجر به افشای اسرار و اطلاعات محرمانه حکومت می گردد، واکنش های سرکوبگرانه و قهرآمیزی از خود نشان می دهند. در برخی کشورها از جمله ایتالیا، ترکیه، اندونزی، ژاپن، آمریکا و... قانونگذار در اکثر موارد با تصریح به نام تعدادی از این احزاب (مانند حزب کمونیست، نازیسم، فاشیسم و...) فعالیت آن دسته از احزاب سیاسی را که به نحوی از انحاء اقدام به فعالیت های جاسوسی و تبادل اطلاعات طبقه بندی شده با دول و احزاب بیگانه نمایند، ممنوع اعلام نموده است (راس، ۱۳۸۸: ۸۸). ضمن آنکه در ماده ۷ قانون احزاب سیاسی مصوب ۱۳۶۰ جمهوری اسلامی ایران نیز به ممنوعیت و محرومیت فعالیت برخی از احزاب سیاسی اشاره شده است، متعاقباً در بند ب ماده ۱۶، اقدام به هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با احزاب و دول بیگانه در هر سطح و به هر

صورت که به اصول آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد، ممنوع اعلام شده، لکن تصریحی به مجازات این دسته از جرایم به عمل نیامده است.

بدین لحاظ، ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) بنا بر ظاهر آن، در مقام توصیف مجرمانه جاسوسی برآمده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۸۴). مطابق این ماده: "هرکس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالمأ و عمدأ در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند، قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند؛ به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود."

عبارت "هرکس" مصرحه در صدر ماده فوق الاشعار با وصف اطلاق شامل فعالیت های مجرمانه کلیه افراد و گروهها، بویژه اعضا و نمایندگان احزاب سیاسی نیز می گردد. چنان که ملاحظه می شود، عنصر مادی این جرم آن است که نقشه یا سند یا تصمیم راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور در اختیار فرد فاقد صلاحیت قرار گیرد که حسب مورد ممکن است به صورت فعل مثبت باشد، مانند اینکه نقشه یا سند تحویل شخص فاقد صلاحیت شود یا ناشی از ترک فعل باشد، مانند اینکه سندی عمدأ در محلی رها شود تا در اختیار فرد فاقد صلاحیت قرار گیرد. بخش دوم ماده ۵۰۱ نیز شکل دیگری از عنصر مادی جرم را بیان کرده است و آن، مطلع کردن از مفاد نقشه ها یا اسرار یا اسناد یا تصمیمات می باشد که در این صورت هم احتمال لزوم ارتکاب عمل در قالب فعل مثبت قویتر است.

عنصر معنوی این جرم، آگاهی از مجرمانه بودن عمل (سوء نیت عام) و قصد جاسوسی است (سوء نیت خاص). به همین جهت، اگر مرتکب با علم به نامشروع بودن عمل خویش، قصد منجز و خاص بر ارتکاب بزه جاسوسی را نداشته باشد، اقدام او مشمول این وصف نخواهد بود.

علاوه بر شرایط فوق، نکات دیگری نیز پیرامون این جرم حایز اهمیت است؛ از جمله آنکه لازم است مرتکب این جرم از عدم صلاحیت فردی که اطلاعات مجرمانه را در اختیار او قرار می دهد، اطلاع داشته باشد. همچنین، مفهوم سیاست داخلی و خارجی کشور که خود به سیاستهای کلان و خرد قابل تقسیم است، از نظر موضوع آن متفاوت است؛ مثلاً سیاست داخلی کشور ممکن است مربوط به اقتصاد یا فرهنگ یا امور نظامی و نظایر اینها باشد، گرچه اطلاق ماده همه این موارد را فرا می گیرد، لکن به قرینه حالیه می توان دریافت که مراد از سیاست داخلی یا خارجی کشور، سیاستهایی است که مربوط به امنیت داخلی و خارجی کشور باشد. بنابراین، اسناد و اطلاعاتی

موضوع این عنوان مجرمانه خواهد بود که فرضاً نماینده یا اعضای یک حزب سیاسی با جمع شرایط موصوف به افشای آن مبادرت نموده و این رفتار به گونه ای موجب صدمه زدن به امنیت داخلی و خارجی کشور باشد. بدیهی است که تشخیص این مسأله نیز با دادگاه است، مگر اینکه نص خاصی در تبیین و توضیح آن وجود داشته باشد (گلدوست، ۱۳۷۶: ۳۲۱).

با این وصف، جاسوسی در قوانین موضوعه ایران، تعریف خاصی ندارد. بنابراین، باید از شیوه احصای جرایم جاسوسی استفاده کرد؛ یعنی تنها به مواردی اکتفا نمود که قانونگذار آنها را به عنوان مصداق جاسوسی معرفی کرده است. به نظر می رسد در چنین مواردی باید تعریف و ملاکی برای جاسوسی وجود داشته باشد تا بتوان مصادیق را با آنها تطبیق داد. به هر حال، در تکمیل مباحث پیشین باید اذعان داشت، همین که نقشه یا سند یا تصمیم با هدف جاسوسی در اختیار فرد فاقد صلاحیت قرار گیرد، جرم تحقق می یابد؛ هر چند تحویل گیرنده از آن استفاده نکند یا توان استفاده از آن را نداشته باشد، چون گر چه این جرم مقید به جاسوسی است، اما این قید مربوط به مرتکب جرم است؛ یعنی جرم هنگامی واقع می شود که مرتکب آن، قصد خود را برای جاسوسی (سوء نیت خاص) به مرحله وقوع برساند؛ هر چند شخصی که اسرار در اختیار او قرار گرفته است، توان استفاده از این اسرار را پیدا نکند.

به هر ترتیب، مجازات مقرر برای جاسوسی یک تا ده سال حبس است که در نوع خود شدید محسوب می گردد. طبعاً احزاب سیاسی به لحاظ ماهیت سیاسی برنامه های خود، بیش از سایر گروهها و اشخاص عادی در معرض ارتکاب چنین جرایمی قرار می گیرند.

۲-۲ تبلیغ علیه نظام

ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد: "هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها یا سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد."

ملاحظه می شود که عنصر مادی این جرم، تبلیغات علیه نظام یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام است؛ مشروط بر آنکه مجرم عملاً اقدام مستقیمی علیه نظام انجام ندهد و تبلیغات بنا بر ظاهر شامل مواردی مانند نوشتن مقاله، انجام مصاحبه، تهیه پوستر و... باشد و عبارت "به هر نحو" شامل مصادیق فراوانی است که تشخیص آنها حسب مورد برعهده قاضی است.

عنصر معنوی این جرم نیز علاوه بر سوء نیت عام یا علم به نامشروع بودن عمل ارتكابی خویش، قصد مخالفت با نظام یا همکاری با سازمانهای مخالف نظام است. بنابراین، اگر یک حزب سیاسی

صرفاً برای کسب درآمد برای یک سازمان مخالف نظام فعالیت تبلیغی نماید و مزد بگیرد و فعالیت خود را همان گونه که در اختیار سایر اشخاص و مشتریان قرار می دهد، در اختیار ایشان نیز بگذارد، ظاهراً مشمول این ماده نخواهد بود؛ هر چند اطلاق ماده با چنین برداشتی سازگاری ندارد و صرف اطلاع از مقاصد سازمان و مجرمانه بودن عمل را کافی می داند. قصد مخالفت یا همکاری به عنوان سوء نیت خاص، صراحتاً در این ماده بیان نشده است و اگر سوء نیت عام را نقض آگاهانه قانون جزا بدانیم، احتمال دوم تقویت می شود و صرف تبلیغات برای تحقق جرم کفایت می کند؛ هر چند قصد متهم مخالفت با نظام نباشد.

همچنین، مخالفت با نظام در صورتی است که با اصل نظام مخالفت شود. بنابراین اگر سازمانها یا گروههایی اصل نظام را مشروع دانسته و تنها با برخی از برنامه ها یا سیاستهای آن مخالف باشند، نه خود آنها مخالف نظام محسوب می شوند و نه تبلیغات به نفع آنها هم مشمول این ماده است. امروزه هیچ حکومتی در جهان وجود ندارد که نظام سیاسی آن مورد تأیید صددرصد مردم باشد و طبیعی است که مخالفان، انتقادهایی هم علیه نظام حاکم روا دارند و این انتقادات تا زمانی که به شکل های قانونی یا متداول مطرح شود، جرم نیست؛ هر چند علیه برنامه های نظام حاکم، تبلیغاتی هم صورت گیرد.

اطلاق عبارت "هر کس" در این ماده نیز مقتضی آن است که میان اتباع داخلی و خارجی تفاوتی وجود نداشته باشد. وجه غالب این عبارت به اشخاص حقیقی برمی گردد، با این وصف، نباید از این ظهور چنین نتیجه گرفت که این جرایم اختصاص به اشخاص حقیقی دارد، بلکه اگر اشخاص حقوقی (بوئژه احزاب) نیز مرتکب این جرایم شوند، مشمول خواهند بود.

۲-۳ همکاری با دول متخاصم علیه نظام

از دیگر جلوه های شایع بزهکاری احزاب سیاسی، همکاری و تعامل گروههای مزبور با دول بیگانه متخاصم در راستای نقض امنیت داخلی و خارجی کشور است. این همکاری حسب مورد ممکن است در ابعاد و اشکال گوناگونی تحقق پذیرد.

در ماده ۱۶ قانون احزاب سیاسی، قانونگذار به مواردی اشاره دارد که گروههای موضوع آن قانون ظاهراً با ایجاد ارتباط با احزاب و دول بیگانه در راستای نقض وحدت ملی، تجزیه کشور و مهمتر از آن، ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت، با استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی، مذهبی و نژادی موجود در جامعه گام برمی دارند. احتمال بزهکاری احزاب در این قالب، زمانی قوت می گیرد که گروههای مزبور احساس نمایند به لحاظ عدم تأمین خواسته های مادی و معنوی

خود، می‌توانند از جهات مختلف مالی و غیرمالی به دولتها و احزاب بیگانه معارض با نظام وابستگی داشته باشند.

قانونگذار کیفری ایران هرچند در قانون احزاب تفصیلاً به این موضوع پرداخته است، لکن در ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: "هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود، به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد." آن گونه که از منطوق این ماده نیز استنباط می‌گردد، عنصر مادی این جرم، همکاری با دول متخاصم خارجی است و مصادیق همکاری نیز فراوان است؛ به نحوی که مواردی از قبیل دادن اطلاعات، تدارک اسلحه و مهمات، تهیه ابزار و لوازم، تسهیلات مالی و معنوی و.... را شامل می‌شود. از لحاظ رکن روانی نیز در بعد قصد عام، آگاهی از نامشروع بودن عمل ارتكابی و در بعد قصد خاص، احتمالاً قصد مقابله با نظام شرط است (ولیدی، ۱۳۸۴: ۵۱). هر چند از ظاهر ماده نمی‌توان چنین قصدی را احراز نمود، اما قراین خارجی بر آن دلالت دارند، زیرا این جرم در مبحث جرایم علیه امنیت کشور بیان شده است و دول خارجی متخاصم نیز معمولاً مرتکب جرم علیه امنیت کشور می‌شوند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). بنابراین، هدف همکاری با چنین مجرمی نیز معمولاً با هدف مجرمان اصلی یکسان است. اگر سوء نیت خاص در تحقق جرم موضوع این ماده لازم باشد، چنانچه مرتکب با قصد کسب مال یا درآمد یا اهداف دیگری غیر از بر هم زدن امنیت کشور، همکاری نماید، مشمول این ماده نخواهد بود و در اینجا لازم است توجه داده شود که لزوم سوء نیت خاص به معنای آن نیست که اگر همکاری با دول متخاصم، منجر به اختلال در امنیت نشود، جرم تحقق نمی‌یابد، بلکه سوء نیت خاص، قید همکاری است. بنابراین، وقتی همکاری با این قصد صورت گیرد، جرم نیز محقق می‌شود، هر چند اختلال در امنیت حاصل نشود.

جرم مزبور در زمره آن جرایمی است که معمولاً علیه امنیت خارجی کشور تحقق می‌یابد، لکن احتمال بر هم زدن امنیت داخلی نیز منتفی نیست، مانند اینکه یک گروه مخالف نظام که در داخل کشور فعالیت دارد، مورد حمایت کشور خارجی باشد و کسی با آن کشور خارجی همکاری کند.

نکته دیگر اینکه منظور از همکاری با دول متخاصم، همکاری در جهت بر هم زدن امنیت کشور است. لهذا اگر شخص یا گروهی، با دول همکاری علمی یا فرهنگی یا اقتصادی داشته باشد، مشمول این ماده نمی‌شود؛ هر چند این همکاری علمی یا فرهنگی یا اقتصادی علیه جمهوری

اسلامی باشد، اما اگر این همکاری‌ها موجب برهم زدن امنیت کشور شود، مشمول این ماده خواهد بود. ذکر این مهم نیز ضروری می‌نماید که تفاوت میان گروه (فرضاً حزب) و شخص در اینجا ثمره عملی ندارد تا جداگانه ذکر شوند؛ مثلاً اگر فردی به صورت مستقل با دول متخاصم همکاری نماید یا در قالب گروه یا تشکل خاص مرتکب این عمل شود، تفاوتی در مجازات آن از نظر قانون وجود ندارد؛ هر چند در مورد برخی گروه‌ها مانند احزاب سیاسی ممکن است محرومیت‌ها یا ضمانات اجزای خاص دیگری نیز مستند به قانون احزاب تعیین گردد (حکم به انحلال توسط دادگاه یا.....).

۲-۴ تحریک یا اغوای مردم به قصد برهم زدن امنیت کشور

مطابق ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی: "هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد." اهمیت این موضوع تا بدان حد است که قانونگذار حصول نتایج مجرمانه را در این راستا لازم ندانسته، بلکه به صراحت جرم مشمول این ماده را در قلمرو جرایم مطلق (جرایمی که به نتیجه خاص مجرمانه نیازی ندارند) بر شمرده است. بنابراین، صرف اغوا و تحریک مردم با قصد برهم زدن امنیت کشور یا تشویش اذهان عمومی به منزله جرم تام تلقی شده، مثبت احکام مجازات و سایر ضمانت‌های قانونی خواهد بود. البته، نکته‌ای که در این مبحث بد نیست بدان اشاره ای بکنیم، این است که اگر هر فرد یا گروهی (فرضاً حزب) با اغراض و اهداف دیگری، همچون ایجاد اختلاف میان دو طایفه یا جلوگیری از رشد مردم یا منافع شخصی، مردم را تحریک به جنگ و کشتار نماید، اقدام وی مشمول این ماده نمی‌شود؛ هر چند در عمل موجب برهم زدن امنیت کشور شود.

به هر حال، آنچه گذشت، تنها خلاصه‌ای از جرایم شایع احزاب سیاسی است. آنچه مبرهن است، اینکه امروزه احزاب سیاسی در غالب کشورهای جهان دارای منابع عظیم مالی و غیرمالی بوده، بعضاً از اقتدارات و اختیارات فوق العاده‌ای نیز برخوردارند. این وضعیت تا بدانجا توسعه یافته است که حتی گونه‌بزهکاری این احزاب نیز همگام با تحولات مدرن، تغییر شکل داده، در قالب بزهکاری‌های سازمان یافته و بعضاً مافیایی نمود می‌یابد. طبیعتاً پرداختن به جمیع این مقولات به لحاظ وسعت و گستره بحث، فرصت و مجال دیگری را می‌طلبد که از حوصله این تحقیق افزون است.

۳- جرایم انتخاباتی احزاب سیاسی

حضور در عرصه انتخابات به مثابه مرکز ثقل فعالیت‌های سیاسی احزاب تلقی می‌گردد. نظام

انتخاباتی رابطه بسیار تنگاتنگی با نظام حزبی دارد. با نگاهی گذرا به حکومت ها و دولتهایی که نظام حزبی دارند، این مسأله به خوبی نمایان خواهد شد که در کشورهای مزبور فرایند انتخابات قرین با فعالیت های احزاب است.

معمولاً احزاب سیاسی از قلب انتخابات نشأت می گیرند. در زمان انتخابات ناگهان جو سیاسی جامعه ملتهب شده، گروههای همسو و همفکر، همگرایی نموده، با هدف مشترک و خط مشی نزدیک به هم در فعالیت انتخاباتی شرکت می کنند. در بسیاری از موارد، نزدیکی این افراد و گروهها نطفه اولیه تشکیل احزاب سیاسی است که بعد از انتخابات به فعالیت خود ادامه می دهند و با ساماندهی نیروها فعالیت تشکیلاتی را شروع کرده، تا در انتخابات بعدی آرای مردم را به سوی خود جلب نموده، با چرخش قدرت به مراکز تصمیم گیری راه یابند. حال اگر قانون انتخابات به گونه ای وضع شود که امکان فعالیت مساوی را بر حزب یا گروههای ضعیف و قوی فراهم نکند، حاکمیت در دست گروههای قوی یا گروه حاکم باقی مانده، امکان رشد از سایر گروهها سلب خواهد شد.

به هر ترتیب، از آن جهت که نقطه اوج فعالیت های سیاسی احزاب در قالب تبلیغات و مشارکت های انتخاباتی تبلور می یابد و در این مقطع حساس، احزاب می کوشند تا با ترفندها و شیوه های گوناگون بر رقبای خود چیره شده، به حداکثر کرسی های پارلمانی موجود دست یابند، ممکن است با طرح و نقشه قبلی و به منظور جذب آرای بیشتر ضمن بسیج نیروها و نمایندگان خود به ارتکاب جرایم و تخلفات مختلف مبادرت ورزند.

هر چند فعالیت های بزهکارانه در جریان یک انتخابات می تواند از جانب کاندیداها یا حتی افراد عادی صورت پذیرد، با این وصف، در بیشتر مواقع به دلیل آنکه احزاب برای سرنوشت انتخابات اعتبار خاصی قائلند و تداوم حیات سیاسی خود را به نوعی منوط به حصول موفقیت در آن می بینند؛ لذا امکان بروز تخلفات و افعال مجرمانه از جانب رهبران و سایر اعضای آن، در راستای اهداف و نقشه های کلی حزب نسبت به سایر افراد و گروههای عادی جامعه به مراتب بیشتر است. در قوانین انتخاباتی ایران، بویژه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران، قانون انتخابات ریاست جمهوری و آیین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ارتکاب اعمال و رفتارهای متعددی در جریان انتخابات تخلف و جرم شناخته شده است. از اهم این عناوین مجرمانه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

خرید و فروش رأی، تقلب و تزویر در اوراق تعرفه یا برگ رأی یا صورتجلسات، رأی دادن با شناسنامه جعلی، رأی دادن با شناسنامه دیگری، رأی دادن بیشتر از یک بار، اخلال در امر همه پرسی، کم و زیاد کردن آراء یا تعرفه ها، تقلب در رأی گیری و شمارش آراء، تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورتجلسات و تلکس و تلفنگرامها و تلگرافها، جابه جایی و دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد همه پرسی بدون مجوز قانونی، ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان یا اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی با اسلحه و یا بدون اسلحه در امر همه پرسی ها و....

عمده جرایم فوق الاشعار، به ترتیب در مواد مختلف قوانین مزبور، بویژه ماده ۱۲ قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۱۰۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان، مادتين ۶۶ و ۶۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و سایر قوانین مورد تصریح واقع شده است.

ضمانت اجراهای کیفری پیش بینی شده در این مصوبات، علاوه بر کیفرهای جسمانی، مانند حبس و شلاق، کیفرهای مالی و تنبیهات اداری را نیز شامل می شود که از اهم آنها می توان به جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و حکم انفصال اشاره نمود (مواد ۳۰ تا ۳۹ قانون همه پرسی، ۸۴ تا ۹۴ انتخابات ریاست جمهوری، ۱۰۹ قانون انتخابات خبرگان و ۷۵ تا ۸۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ملاحظه گردد). همچنین در مواد ۹۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ۸۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی آمده است که اعمال مجازاتهای مقرر در قوانین مزبور جنبه حصری نداشته و قاضی در هر مورد می تواند متخلف را به مجازات مذکور در این قانون و یا مجازاتی که برای این تخلفات در سایر قوانین، مخصوصاً کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۲/۳ مقرر گردیده، محکوم نماید.

نتیجتاً، امکان وقوع جرایم از جانب احزاب سیاسی و نمایندگان آنها در جریان انتخابات عمومی نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر است و بدین لحاظ، موارد شایع بزهکاری احزاب را می توان در هنگام انتخابات ملاحظه نمود.

نتیجه گیری

احزاب همچون سایر اشخاص حقوقی حق زیست و فعالیت دارند و تعیین حد و مرز فعالیت احزاب، مستلزم برخورداری از قوانین واضح و روشن ناظر بر جرایم و تخلفات آنها نیز هست. وضع قوانین مبهم و قابل تفسیر

موسع، به‌ویژه در خصوص جرایم و تخلفات احزاب سیاسی، همواره امکان توسعه و در نتیجه شمول قلمروهای مجاز رفتاری احزاب به عنوان جرایم و تخلفات آنها را فراهم می‌کند. از این جهت، با عنایت به آنچه در این مقاله بررسی گردید، ضروری است قانونگذار ایران، با نگاهی به اصول حقوق کیفری، نسبت به تفتیح قوانین موجود ناظر بر احزاب و فعالیت‌های آنان اقدام نموده، با تأکید بر تسهیل حضور قانونی احزاب در عرصه اجتماعی و سیاسی قابلیت پیش‌بینی ادامه حیات قانونی آنها را فراهم کند. در این صورت، چنانکه در این مقاله اشاره شد، ضروری است نسبت به رفع برخی ابهام‌های موجود در قلمروی سیاست کیفری ایران، در این رابطه از طریق وضع قوانین جزایی متناسب اقدام گردد.

فهرست منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: سمت، چاپ دهم.
- آقایی نیا، حسین. (۱۳۸۷). حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص، تهران: میزان، چاپ سوم.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: میزان، چاپ پنجم.
- راس، آیان. (۱۳۸۸). تحولات جرم سیاسی، ترجمه حسین غلامی، تهران: سمت.
- زینلی، محمدرضا. (۱۳۸۷). جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی، تهران: نشر امیر کبیر.
- شیخ الاسلامی، عباس. (۱۳۸۰). جرایم مطبوعاتی، مشهد: جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- صادقی، محمد. (۱۳۸۳). حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چاپ چهارم.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۶). «جرایم دولتی»، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره ۳
- گلدوست جویباری، رجبعلی. (۱۳۷۶). «بررسی سیاست کیفری ایران در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵»، مجله کانون وکلا، ش ۱۶۷-۱۶۶، بهار-تابستان.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۳). حقوق جزای اختصاصی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، مهر.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). دوره حقوق جزای عمومی: کلیات حقوق جزا، ج ۱، تهران: گنج دانش، چاپ دوم.
- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۷۴). حقوق جزای اختصاصی: جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی، ج سوم، تهران: نشر داد، چاپ چهارم، پاییز
- هاشمی، محمد. (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام، ج اول، تهران: میزان، چاپ چهارم.